

کوتاه از دیپلماسی

ادعای میدل ایست آی:

بن سلمان خواستار میانجیگری کاظمی در روابط ایران – عربستان شد

● ایسنا:میدل‌ایست آی به نقل از منابع آگاه مدعی شد ولیعهد سعودی از نخست‌وزیر عراق خواسته است میان ریاض و ایران میانجی‌گری را آغاز کند. به گزارش پایگاه خبری میدل‌ایست آی به نقل از منابعی که آنها را آگاه خوانده و نامشان را فاش نکرده، مدعی شد که اولین تماس تلفنی که مصطفی الکاظمی، نخست‌وزیر جدید عراق، پس از انتخاب‌شدنش دریافت کرد، از محمد بن‌سلمان، ولیعهد عربستان سعودی بوده است و بن‌سلمان از الکاظمی خواسته است میانجی‌گری میان ایران و عربستان سعودی را آغاز کند. میدل‌ایست آی در ادامه نوشت: اگرچه بن‌سلمان الکاظمی را از هر کاندیدای دیگری به خود نزدیک‌تر خواهد دانست، ازسرگیری مذاکرات میان واشنگتن و تهران نیز از نظر راهبردی خبر خوبی برای عربستان سعودی نیست. این پایگاه خبری همچنین مطرح کرد که عربستان سعودی به‌خاطر خروج سامانه‌های دفاع موشکی آمریکا از عربستان تحت فشار جدیدی قرار گرفته تا محاصره اقتصادی سه‌ساله قطر را به پایان برساند. تا آنجا که امیر کویت هیتی را برای آغاز دوباره میانجی‌گری به قطر فرستاده است، در ادامه، میدل‌ایست آی درباره سیاست‌های آمریکا و عربستان سعودی در منطقه به نقل از یک مقام عراقی نوشت: درحالی‌که ترامپ [رئیس‌جمهور آمریکا] مدعی است که سیاست فشار حداکثری او علیه ایران کارآمد بوده است، واقعیت این است که سیاست آمریکا در خلیج فارس، کارزار عربستان سعودی در یمن که دیگر از عهده آن برنمی‌آید و فشار بر ایران دچار مشکل شده‌اند، شکست یک راهبرد آمریکایی برای مقابله با ایران چیزی است که سعودی‌ها باید در نظر بگیرند. ترامپ تا زمانی که نام خودش روی یک توافق نباشد، وارد مذاکره با ایران بر سر یک توافق هسته‌ای جدید نخواهد شد. این امر ممکن است به توافقی فراتر میان واشگتن و تهران منتهی شود.

تاکید ایران بر کنترل مرز مشترک با افغانستان

● ایسنا: در جلسه مشترک مسئولان مرزی افغانستان و ایران، مرزبان درجه‌یک ایران با تأکید بر نقاط مشترک و تعلقات فرهنگی، دینی و قومی بین مردم دو کشور، از مرزبانان افغانستانی درخواست کرد ضمن کنترل بیشتر بر مرزهای مشترک، پاسگاه‌های مرزی غیرفعال در کشور افغانستان به منظور کنترل بیشتر، هرچه زودتر فعال شوند. به گزارش پایگاه خبری پلیس، در پی ادعای برخی رسانه‌های خارجی مبنی بر غرق شدن تعدادی از اتباع افغانستانی توسط مرزبانان جمهوری اسلامی ایران در مرز مشترک با افغانستان، موضوع به صورت ویژه در دستور کار مرزبانان ایران قرار گرفت و بعد از بررسی اولیه و اعزام تیم‌های کارشناسی مشخص شد که این موضوع یک ادعای کذب بوده و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران رسماً این خبر را تکذیب کرد. متعاقب آن، مرزبانان جمهوری اسلامی ایران به واسطه احترام متقابل به کشور دوست و همسایه طبق پروتکل‌های بین‌المللی چندین‌بار به صورت کتبی از کشور افغانستان تقاضا کرد با اعزام هیئت کارشناسی موضوع را بررسی کنند. با توجه به فرارداد کمیساریان سرحدی (مرزبانان) ۱۳۳۵ صبح پنجشنبه (۲۵ اردیبهشت)، هییتی متشکل از کارشناسان مرزبانان کشور افغانستان وارد ایران شده و با حضور در محل مورد ادعا، موضوعات را میدانی مورد بررسی قرار دادند و در جلسه مشترک با مرزبانان ایران، بعد از صرف افطاری، کشورمان را به مقصد افغانستان ترک کردند. در این جلسه مشترک، مرزبان درجه‌یک ایران با تأکید بر نقاط مشترک و تعلقات فرهنگی، دینی و قومی بین مردم دو کشور از مرزبانان افغانستانی درخواست کرد ضمن کنترل بیشتر بر مرزهای مشترک، پاسگاه‌های مرزی غیرفعال در کشور افغانستان به منظور کنترل بیشتر، هرچه زودتر فعال شوند. بر اساس این گزارش، هیئت افغانستانی نتیجه بررسی‌های خود را به مشورت با مسئولان عالی‌رتبه افغانستان در چند روز آینده موقوف کرده است.

سخنگوی وزارت خارجه روسیه:

برنامه آمریکا برای تحریم تسلیحاتی چشم‌اندازی ندارد

● ایسنا: سخنگوی وزارت امور خارجه روسیه از تلاش‌های اخیر دولت آمریکا برای تمدید تحریم تسلیحاتی ایران انتقاد کرد. به گزارش خبرگزاری اسپوتنیک، ماریا زاخاروا، سخنگوی وزارت امور خارجه روسیه، در کنفرانس خبری روز پنجشنبه‌اش گفت که برنامه‌های آمریکا برای اعمال تحریم تسلیحاتی نامحدود بر ایران هیچ چشم‌اندازی ندارد. زاخاروا اظهار کرد: درهم‌شکستن برنامه جامع اقدام مشترک [برجام] از طریق برنامه‌های ضدایرانی که شامل پیش‌نویس اعمال تحریم تسلیحاتی نامحدود بر ایران است، واقعا موجب افتقار آمریکا نخواهد شد. واضح است که این روند هیچ چشم‌اندازی ندارد. سخنگوی وزارت امور خارجه روسیه در ادامه گفت: آن دسته از اعضای برجام که تعهدات خود را کاملاً نسبت به توافق هسته‌ای حفظ کرده‌اند، به مبارزه برای حفظ آن و اجرای مداوم آن ادامه خواهند داد. زاخاروا همچنین بیان کرد: آمریکا نباید هیچ شکی دراین‌باره داشته باشد.

زینب اسماعیلی: کشمکش ایران و آمریکا بر سر قطع‌نامه ۲۲۳۱ همچنان ادامه دارد. همه شواهد نشان می‌دهد که ایالات متحده قصد دارد همه تلاشش را برای جلوگیری از لغو تحریم تسلیحاتی قطع‌نامه ۲۲۳۱ به کار ببندد. تاکنون روسیه در موضع‌گیری‌های جداگانه‌ای از این سخن گفته که آمریکا چنین حقی ندارد. مقامات اروپایی واکنش روشنی نشان نداده‌اند و در جدیدترین تحول، نماینده چین در سازمان ملل نیز به موضع‌گیری مشابهی پرداخته است.نمایندگی دائم چین در سازمان ملل متحد، با انتشار یادداشت توییتری به اظهارات اخیر برابان هوک، نماینده آمریکا در امور ایران، واکنش نشان داد. «آمریکا با خروج از برجام به تعهدات خود طبق قطع‌نامه ۲۲۳۱ عمل نکرد. این کشور حق ندارد که تحریم تسلیحاتی را بر ایران تمدید کند؛ چه رسد به اینکه باعث فعال‌شدن مکانیسم ماشه شود».

برابان هوک، نماینده ویژه وزارت خارجه ایالات متحده آمریکا، تهدید کرده که آمریکا بالاخره «به طریق» اطمینان خواهد یافت که تحریم‌های تسلیحاتی علیه جمهوری اسلامی تمدید می‌شوند. برابان هوک در یادداشتی که چهارشنبه در وال استریت ژورنال منتشر شد، تأکید کرد که آمریکا بر سر تمدید این محدودیت پافشاری می‌کند و برای رسیدن به آن مسیرهای مختلفی را در پیش خواهد گرفت.محمدجواد ظریف در واکنش به این سخنان در جمع خبرنگاران گفت: «ادعاهای ابلهانه از سوی مقامات آمریکایی تازگی ندارد».

با این اوصاف مشخص است که این کشمکش تا آبان

ادامه دارد و حتما اوج خواهد گرفت. روسیه و چین چه موضعی خواهند گرفت و اینکه برداشته‌شدن تحریم تسلیحاتی چقدر به نفع ایران است، جزء موضوعاتی است که در گفت‌وگو با کوروش احمدی، کارشناس ارشد روابط بین‌الملل، به بحث گذاشتیم.

● شواهد نشان می‌دهد که آمریکا قصد دارد تمام تلاشش را برای جلوگیری از لغو تحریم تسلیحاتی ایران طبق قطع‌نامه ۲۲۳۱ به کار بندد.

بله، مسئله مهم این است که تکلیف این کشمکش باید تا ۱۸ اکتبر یعنی کمتر از سه هفته مانده به انتخابات آمریکا معلوم شود؛ یعنی شکست آمریکا لطمه‌ای جدی به اعتبار سیاست خارجی ترامپ خواهد زد و سلاخی جدید به زرادخانه بایدن خواهد افزود. به‌این‌دلیل، کاخ سفید حداکثر تلاش را دراین‌باره خواهد کرد. اینکه پمپئو می‌گوید «از همه گزینه‌های دیپلماتیک» استفاده خواهیم کرد یا برابان هوک می‌گوید «به هر طریق ممکن از تمدید تحریم‌های تسلیحاتی مطمئن خواهیم شد»، دراین‌باره است. تهدیدهای ضمنی یا صریح مقامات ما به خروج از برجام یا خروج از ان‌بی‌تی با غنی‌سازی بالا و.. ممکن است اتفاقاً این تیم تندرو، ایدئولوژیک و مسئولیت‌نشناس در آمریکا را بیشتر علاقمند به پیگیری تلاش‌های‌شان کند؛ چراکه هدف آنها نابودی برجام است؛ به نحوی که اگر کسی غیر ترامپ پیروز انتخابات آینده شد، بازگشت آمریکا به برجام واقعا مشکل شود.

● اصلی‌ترین سؤال دراین‌بین، این است که چقدر این تلاش متمرکز خواهد بود؟ به عبارت دیگر آیا دیگر اعضای شورای امنیت با آمریکا همراهی می‌کنند یا نه؟

به‌رحال تیم ترامپ حداکثر تلاشش را خواهد کرد؛ چه ثمری داشته باشد، چه نداشته باشد. بالاخره موضع‌گیری قوی و جدی‌تر سفرای روسیه و چین در سازمان ملل بعد از دو، سه هفته ایجاد امبدورای کرده که

آنها ممکن است به طور جدی مقاومت کنند. هرچند در این مقطع قطعی نیست که آیا گفته‌های قوی این سفرا علیه تمدید تحریم تسلیحاتی موضع مذاکراتی آنها است یا موضع قطعی و نهایی. البته جای تاسف است که هنوز آلمان، انگلیس و فرانسه که گفته شده پیش‌نویس قطع‌نامه تحریم تسلیحاتی به آنها داده شده، واکنشی نشان نداده‌اند.

● تا به اینجا ماجرا مشخص است که ایران بیش از همه شرکا، روی وتو و مخالفت روسیه و چین با اقدام آمریکا حساب باز کرده است. درحالی‌که هر دو این کشورها، تعاملات متفاوت خود را با آمریکا دارند. با توجه به آن تعاملات و مشکلات، در میث مرتبط با ایران و موضوع قطع‌نامه که پیش‌رو است، چه نقشی را دنبال خواهند کرد؟

طبیعتاً چین و روسیه هرکدام با آمریکا و با هم در حوزه‌های متعدد و گسترده‌ای رابطه و تعامل دارند و بدبستان‌های زیادی بین‌شان وجود دارد؛ ازاین‌رو مسئله ایران به‌عنوان یک فاکتور باید در معادله گسترده‌تر آنها بررسی شود. زمانی که به این نکته اشاره می‌کنیم که تا اینجا کار مشخص نیست موضع چین و روسیه موضع مذاکراتی است یا موضع قطعی، به دلیل ریسک قضیه است که امیدواریم موضع مذاکراتی آنها نباشد؛ به این معنی که این را به‌عنوان حربه مطرح نکرده باشند که بعد روی آن مذاکره کنند.

چین اکنون با آمریکا مشکل تجاری دارد که بسیار مهم و سرنوشت‌ساز است و روسیه هم در حوزه‌های

دیپلماسی

کوروش احمدی، دیپلمات سابق در گفت‌وگو با «شرق»:

نمی‌دانیم موضع چین و روسیه مذاکراتی است یا قطعی



متعدد با آمریکا درگیر است؛ چه مباحث مرتبط با ایفای نقش در خاورمیانه، فروش گاز به اروپا و رقابت گسترده‌ای که با آمریکا در جهان دارد. موضوع ایران یک موضوع بین موضوعات متعدد بین چین و آمریکا، روسیه و آمریکا است و باید منظر تحولات پیش‌رو ماند تا مشخص شود که به چه شکلی پیش خواهد رفت. ● تاکنون بعد از هر پرتاب موشکی آمریکا مدعی نقض قطع‌نامه ۲۲۳۱ از سوی ایران شده؛ مانند همین بیانیه اخیرش؛ درحالی‌که ایران به پاسخ‌دادن در این مورد می‌پردازد. آیا قطع‌نامه ۲۲۳۱ دراین‌باره تصریح ندارد که این دو نوع واکنش مطرح می‌شود؟

بله، تصریح دارد. روشن است که بند ۳ ضمیمه B قطع‌نامه ۲۲۳۱ اولاً توصیه‌ای است و الزام‌آور نیست، ثانیاً از ایران دعوت می‌کند که موشکی که برای حمل سلاح اتمی طراحی شده باشد، ناساز (نقل به معنایی). عملکرد ایران در تعارض با این بند نیست. اتهام نقض قطع‌نامه از این نظر را حتی متحدان اروپایی آمریکا نیز قبول ندارند و تاکنون صرفاً از «ناسازگار»بودن آزمایش‌های موشکی ایران با قطع‌نامه سخن گفته‌اند که تفاوت مهمی است. موضع چین و روسیه هم دراین‌باره مشابه موضوع ایران است. استنباط آمریکا هیچ‌گونه منبای حقوقی ندارد و صرفاً در راستای اعمال فشار سیاسی است.

● واضح است که اگر آمریکا نتواند این طرح را در شورای امنیت دنبال کند، به دنبال تحریم یک‌جانبه خواهد بود؛ همان‌گونه که برایان هوک در جدیدترین اظهاراتش گفته، این تحریم احتمالی چقدر می‌تواند مانع باشد؟

درصورتی‌که تحریم تسلیحاتی سازمان ملل لغو شود و آمریکا به طور یک‌جانبه تهدید به تحریم شرکت‌های صادرکننده سلاح به ایران کند، بعید است چنین تحریمی تأثیر عمده‌ای داشته باشد؛ چراکه صنایع نظامی در چین و روسیه عمده‌تا نیازی به دسترسی به بازار آمریکا و حضور در آن کشور

ندارند که نگران تحریم آمریکا باشند. مکانیسم دریافت و پرداخت مالی نیز به نحوی به طور دوجانبه قابل حل است. البته تحریم شرکت‌های تسلیحاتی روسیه و چین می‌تواند مشکلاتی برای آنها ایجاد کند؛ مانند صادر نکردن ویزای سفر به آمریکا برای رؤسای آنها یا ایجاد مشکل در برخی فعالیت‌های جنی.

● احتمالاً یکی از کشورهای اصلی خرید تسلیحات برای ایران، روسیه و چین هستند. لطفاً برای ما توضیح بدهید که چقدر این صنعت در آن کشورها دولتی و چه سهمی از آن خصوصی است و در صورت تحریم تسلیحاتی شدن از سوی آمریکا، آیا آنها این تبادل را قطع خواهند کرد یا ادامه می‌دهند؟

صنایع نظامی در روسیه و چین عمده‌تا دولتی هستند و برنامه و تولیدات آنها تحت نظارت کامل دولت قرار دارد. ادامه تحریم تسلیحاتی سازمان ملل درحال مانع صدور سلاح به ایران از سوی همه کشورها، صرف‌نظر از دولتی یا خصوصی‌بودن شرکت‌های تولیدکننده سلاح خواهد بود. ضمناً یادآوری کنم که خصوصی یا دولتی بودن صنایع نظامی تفاوت عمده‌ای ایجاد نمی‌کند؛ چراکه معمولاً این صنایع در همه کشورها نهایتاً نیازمند مجوز دولت برای صادرات سلاح هستند.

● طرح زمان برای لغو تحریم تسلیحاتی دربرجام و قطع‌نامه ۲۲۳۱ در آن زمان، اهداف ویژه‌ای را دنبال می‌کرد که اکنون زمان طرح دوباره آن نیست؛ اما می‌توان این را برسید که آیا لغو تحریم تسلیحاتی برای ایران و خرید و فروش تسلیحات، از منظر چرخه اقتصادی و سیاسی و دیپلماسی به نفع ایران است؟ آیا جمهوری اسلامی ایران می‌تواند از فروشنده سلاح شود؟

بی‌شک به نفع ایران است؛ چراکه اولاً خنثی‌کردن فشار آمریکا توفیقی دیپلماتیک به شمار خواهد رفت و ثانیاً صنایع نظامی در ایران پیش‌رفته است و بالقوه توان تبدیل‌شدن به یک صادرکننده سلاح را دارد.

قطعا اگر محدودیت‌های موجود برطرف شود، این صنایع می‌توانند به‌تدریج بازار صادراتی تسلیحاتی خوبی به دست آورند و این گامی مهم در راستای عادی‌شدن روابط با جهان است.

● اضافه بر اینها، تاکنون که ایران با تحریم تسلیحاتی مواجه بوده، اتهامات زیادی برای ارسال سلاح به یمن و حوثی‌ها، به کشور نسبت داده می‌شد. آیا با لغو زوری فروش این ادعاها و اتهاماتی از این دست، روند فزاینده‌ای پیدا نمی‌کند؟

درباره صدور سلاح به یمن، ایران از دو نظر با محدودیت‌های سازمان ملل مواجه است. یکی اعمال محدودیت‌هایی بر خرید و فروش سلاح براساس قطع‌نامه ۲۲۳۱ و دیگر تحریم تسلیحات برخی گروه‌ها در یمن ذیل قطع‌نامه ۲۲۱۶. اگر محدودیت‌های تسلیحاتی علیه ایران لغو شود، باز هم ایران براساس قطع‌نامه ۲۲۱۶ قادر به صدور سلاح به یمن نخواهد بود. نهایتاً اینکه در صورت لغو محدودیت‌ها، ایران می‌تواند به هر کشوری که منع خرید نداشته باشد، سلاح بفروشد و دیگر اتهامی در کار نخواهد بود.

دست‌ورالعمل‌های گذشته دولت آمریکا را به‌روزرسانی کرده و آنها را توسعه می‌دهد. از «ارانه اطلاعات و ابزار لازم به فعالان صنایع دریانوردی برای مقابله با روش‌های نوین و جدید گریز از تحریم‌ها» به‌عنوان هدف صدور این دستورالعمل یاد شده است. همچنین وزارت امورخارجه آمریکا، ایران را به عدم همکاری با آنچه تلاش‌های واشنگتن در مقابله با تروریسم خوانده، متهم کرده است. وزارت امور خارجه آمریکا در بیانیه‌ای که روی وب‌سایت این وزارتخانه قرار گرفته است، ادعا کرد که طبق بند ۴۰ قانون کنترل صادرات تسلیحات ایران، ونزولا، کوبا، سوریه و کره‌شمالی کشورهایی هستند که در سال ۲۰۱۹ به‌طورکامل با تلاش‌های واشنگتن برای مقابله با تروریسم همکاری نکرده‌اند و این موضوع را به اطلاع ننگره نیز رسانده است. بنا بر گزارش پایگاه اینترنتی وزارت امور خارجه آمریکا، در ادامه این بیانیه آمده است: این گواهی، فروش یا اعطای مجوز صادرات کالاها و خدمات دفاعی را (به این کشورها) ممنوع می‌کند و به جامعه آمریکا و بین‌الملل اطلاع می‌دهد که کشورهای نامبرده به‌طورکامل با تلاش‌های واشنگتن در مقابله با تروریسم همکاری نمی‌کنند. همچنین در این بیانیه ادعا شده است که ایران با حمایت از حزب‌الله لبنان و سایر گروه‌ها در خاورمیانه در سال ۲۰۱۹ نیز بزرگ‌ترین حامی تروریسم بوده است. نام کوبا برای اولین‌بار است که به این فهرست اضافه شده است.

به گزارش ایسنا، سیدعباس موسوی، سخنگوی وزارت امور خارجه، به این ادعا آمریکایی‌ها مبنی‌بر عدم همکاری ایران با آمریکا در مبارزه با تروریسم واکنش نشان داد. او در توییت نوشت: «ایالات متحده با آن سابقه ایجاد، تأمین مالی و تسلیحاتی گروه‌های تروریستی مختلف، اعمال تروریسم دولتی و نیز حمایت آشکار از یک رژیم تروریستی دیگر، سنجه خوبی برای ارزیابی تلاش‌های ضدتروریستی نیست. در این بیانیه آمده است که این دستورالعمل، آمریکا باید به تروریسم دولتی خود پایان دهد».

ادامه از صفحه ۵

ریشه‌های نهادهی عملکرد ضعیف اقتصادی در ایران

خوب یا بدبودن این میزان رشد تولید، بستگی به موقعیت کشور دارد. در یک کشور توسعه‌یافته این میزان رشد، بسیار طلایی است؛ اما برای یک کشور در حال توسعه، رشد درخورتوجهی نیست. به همین سبب هم در برنامه‌های توسعه در چند دهه اخیر، میانگین نرخ رشد را هشت درصد در نظر گرفته‌ایم و حتی گاهی اعلام کرده‌ایم که هشت درصد هم کفایت نمی‌کند. اگر مقطع ابتدایی این دوره ۶۰ساله را از ۱۳۳۸ تا ۱۳۵۲ جدا کنیم؛ یعنی اولین افزایش جدی قیمت‌های نفت، می‌شود.دوره ۴۵ساله و دوره بعدی، از سال ۵۳ تا ۹۸. این نرخ رشد ۴۰۲۵ درصدی به حدود دو درصد کاهش پیدا می‌کند و به ۱۰۹۸ درصد می‌رسد. شوک‌های نفتی، انقلاب، جنگ، تحریم‌های اقتصادی و عوامل دیگر باعث کاهش می‌شود. پس همان نرخ رشد میانگین بلندمدت ناکافی بوده و عواملی در دوره اخیر آن را کاهش داده‌اند. اگر این دوره را فقط به سال‌های پس از انقلاب محدود کنیم، می‌شود دو درصد. دوره ۴۵ساله هم نزدیک به همین رقم است. اگر سراغ تولید سرانه برویم، هرچه رشد جمعیت بالا برود؛ یعنی مقدار کمتری به هر نفر خواهد رسید. هرچه جمعیت پایین‌تر باشد، عایدی هر نفر را افزایش تولید بیشتر خواهد شد. در همین مقطع ۶۰ساله، میانگین نرخ رشد جمعیت ۲۰۲۴ درصد بوده است. اگر خیلی سردستی، این دو میانگین را از هم کم کنیم؛ یعنی رشد تولید سرانه به طور میانگین ۱۰۹ درصد خواهد بود. البته در سال‌های بعد، نرخ رشد تولید کم شده و جمعیت زیاد شده، رشد تولید سرانه خیلی کمتر شده و حدود صفر شده است. پس به لحاظ تولید سرانه، هم عملکرد خوبی نداریم؛ به جز همان مقطع ۱۵ساله که حدود ۰۰۸ درصد نرخ رشد تولید سرانه است. آن مقطع را باید به طور جدی واکنوی کنیم.

شاخص سوم ضریب جینی است. توسعه چطور بین جمعیت توزیع می‌شود. ممکن است رشد خیلی خوبی داشته باشید؛ ولی عده کمی از محصولات استفاده کنند. توزیع طوری باشد که محاصل تولید به جیب عده محدودی برود و تغییر در وضعیت زندگی عده‌ای ایجاد نشود. به طور میانگین برای سال‌هایی که آمار مربوط به ضریب جینی تولید شده، در دوره ۶۰ساله، ۰۰۴۲ ضریب جینی بوده. ضریب جینی شاخصی است که بین صفر تا یک اندازه‌گیری می‌شود. در حالت یک نابرابری کامل است و در حالت صفر، برابری کامل درآمد صورت گرفته است. حد مطلوب عملی را به ۰۰۲ تا ۰۰۳ ذکر می‌کنند. تعدادی از کشورهای اروپایی بین ۰۰۲ تا ۰۰۲۵ ضریب جینی دارند. دوره ۱۵ساله اگرچه به لحاظ تولید و توزیع سرانه عملکرد درخشانی دارد؛ اما به لحاظ ضریب جینی این‌طور نیست و میانگین ضریب جینی، ۰۰۴۶ است. در سال‌هایی که رشد اقتصادی خوبی داشتیم، در سال‌های ۱۳۳۸ تا ۵۲، توزیع این رشد خوب نبوده است. برای سال‌های پس از انقلاب هم گرچه در مقایسه با عدهی که ذکر کردم، شاهد کاهش شدید تلاش کرد که این عدد به زیر ۰۰۳ برسد.

اگر این ارقام را کنار هم قرار دهیم، می‌توانیم بگوییم عملکرد اقتصادی ایران در دوره ۶۰ساله به لحاظ تولید نسبتاً ضعیف بوده و به‌ویژه از سال ۵۳ به بعد پرنوسان و تورمی بوده است؛ یعنی ورود نفت باعث می‌شود نرخ تورم به طور جدی در ایران افزایش یابد و از میانگین حدود چهار درصد در دهه ۴۰ به میانگین حدود ۱۹ درصد در دهه‌های بعدی برسد که جهش چشمگیری است. پس رشد پایین، پرنوسان، تورمی است؛ چون جامعه روی شیوه توزیع بسیار حساس است و زمانی که احساس تبعیض کند، واکنش منفی نشان می‌دهد. این واکنش می‌تواند باعث شود عملکردهای بسیار درخشان از نظر تولید با توقف مواجه شود.

کاستی‌های مهم نهادی هم باعث شده چنین عملکرد ضعیفی را داشته باشیم؛ نبود و قانون و بی‌ثباتی. به نظر می‌رسد در یک سده اخیر عامل نفت به این اضافه می‌شود؛ یعنی نبود قانون، ناامنی و بی‌ثباتی، وجه نفتی هم به خودش می‌گیرد. نفت به جای اینکه به حل‌وفصل ریشه‌های نهادهی عقب‌ماندگی اقتصادی جامعه‌ما کمک کند، متأسفانه به تشدیدش کمک می‌کند. اگر بخواهیم سه عامل نبود قانون، ناامنی و بی‌ثباتی را اولویت‌بندی کنیم، براساس نتیجه نورث درباره شرایط آستانه‌ای گذار از توسعه‌نیافتگی و توسعه‌یافتگی ترجیح می‌دهم رتبه بالاتر را به خواهد در مسیری بیفتد که عقب‌ماندگی اقتصادی‌اش را حل‌وفصل بلندمدت کند، باید این مشکل را حل کند. بر حل‌وفصل بلندمدت تأکید می‌کنم؛ چون راه‌هایی وجود دارد که بتوان در مقاطع کوتاه‌مدت اقتصاد را سروسامان داد.